جایزه‌ای که انصاریان ندید

جایزه بهترین بازیگری جشنواره بلغارستان به زنده‌یاد علی انصاریان اهدا شد. این جایزه برای فیلم «کولبرف» به کارگردانی میلاد منصوری به انصاریان تعلق گرفت و این کارگردان به مهر گفت: این خبر در عین خوشحالی، واقعا تلخ و ناراحت‌کننده بود. کولبرف برای علی انصاریان یک فیلم خاص بود. خیلی از موقعیت‌های کاری را کنار گذاشت و بدون هیچ چشمداشتی پای این پروژه آمد.

سوغاتی علی قمصری از تبریز شنیدنی شد

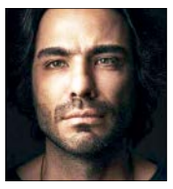

علی قمصری، آهنگساز و نوازنده موسیقی ایرانی که در قالب پروژه «تار ایرانی» به تبریز سفر کرده است، آهنگ معروف «کوچه‌لر» را در خانه حیدرزاده این شهر نواخت. مهر به نقل از قمصری نوشت: اجرای تبریز را نمی‌توانستم با قطعه دیگری شروع کنم. به نظرم این ملودی و شعرش یکی از لطیف‌ترین عاشقانه‌های موسیقایی است و در لهجه زیبای تبریزی‌ها ظرافت و کشش آواها به سمت نت‌های بالاتر وجود دارد.

آهنگساز

به اضافه این‌که...

ملی-میهنی‌بازها بخوانند

از عارف قزوینی که به‌خاطر تصنیف‌های ملی - میهنی‌اش به «شاعر ملی» معروف است، در جلد دوم کتاب «از صبا تا نیما» نقل شده: « اگر من خدمتی دیگر به موسیقی و ادبیات ایران نکرده باشم، [دست‌کم این کار را کرده‌ام که] وقتی تصنیف‌های وطنی ساختم ایرانی از هر ده هزار نفر یک نفر نمی‌دانست وطن یعنی چه».

امروز اگر سرودها و تصانیف ملی-میهنی ما حتی آن دسته از آثاری که به لحاظ کیفیت چندان قابل‌دفاع نیستند، به‌سادگی فراگیر می‌شوند، بهتر است مدام این حرف‌های شاعر عصر مشروطه را با خود مرور کنند.

حسین علیزاده؛ خورشید تابان ایران

علیزاده در اوج جوانی با سری سودایی و هیجانی سازنده، چند آهنگ اعتراضی برای روزهای انقلابی ساخت. ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ که میدان ژاله صحنه خونین مبارزات بود او دست به کار شد و «ژاله خون شد» را ساخت. اثری که او ساخته بود خواننده نداشت؛ گروه کر شعر را می‌خواند، چرا که شرایط طوری بود که نباید لو می‌رفت آهنگ‌ها را چه کسی ساخته و چه کسی خوانده است. آهنگ‌هایی چون ژاله خون شد البته مشخصا ملی و میهنی محسوب نمی‌شوند هر چند به لحاظ رویکرد حماسی به مبارزه در نهایت محتوایی مشابه با سرودهای میهنی را نمایندگی می‌کنند اما بین آثار علیزاده، یک اثر ملی -میهنی شاخص هم دیده می‌شود؛ «میهن» را می‌گوییم. همان که شاعرش می‌گوید: «ایران خورشیدی تابان دارد/ با جان پیوندی پنهان دارد» و محمدرضا شجریان در چهارگاه آن را می‌خواند.

محمدرضا لطفی؛ از سرای امید

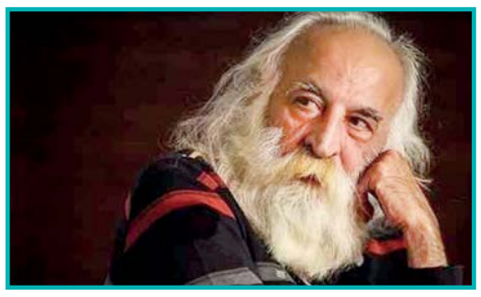

ماجرایی را که درباره احوالات حسین علیزاده و شور و هیجانش سال ۵۷ گفتیم چند برابر کنید؛ این می‌شود ماجرای محمدرضا لطفی در آن سال. او نیز سازنده و حامی چند آهنگ سیاسی و اعتراضی در همراهی با انقلاب بود. لطفی، پیش و پس از انقلاب به عنوان یکی از مدیران کانون فرهنگی‌وهنری چاووش، احوال موسیقی ایرانی را عوض کرد و آن را به خیابان کشاند اما همان‌طور که درباره ژاله خون شد علیزاده گفتیم که این آثار مشخصا با اشارات مستقیم به میهن همراه نبودند، این دسته از آثار لطفی نیز مستقیما ملی و میهنی محسوب نمی‌شوند اما او آهنگساز یکی از مهم‌ترین و مشهورترین تصانیف ملی - میهنی ماست؛ «سپیده». همان که شاعرش می‌گوید: «ایران ای سرای امید» و شجریان می‌خواندش.

پرویز مشکاتیان؛ سوی مرز روشنی‌ها

پرویز مشکاتیان هم مثل حسین علیزاده و محمدرضا لطفی، تجارب ملی و میهنی‌اش را در کانون فرهنگی و هنری چاووش سر و شکل می‌داد. او در آهنگی که برای کنسرت معروف دانشگاه ملی آذر ۱۳۵۸ ساخت که بعدها به عنوان آلبوم سپیده منتشر شد؛ اولی «رزم مشترک» بود که مثل آثار اعتراضی و سیاسی لطفی و علیزاده، مشخصا ملی-میهنی محسوب نمی‌شد اما او در همان کنسرت، آهنگساز یکی از تصانیف به‌یادماندنی هم بود.

منظورمان تصنیف «ایرانی» است با شعری از جواد آذر: «ایرانی به سر کن خواب مستی/ بر هم زن بساط بت‌پرستی» و سرآخر هم «راه بگشا سوی مرز روشنی‌ها/ روزگار تیرگی‌ها، بر سر آمد».

پیمان سلطانی؛ ایران‌جوان

پیمان سلطانی، به عنوان موسیقیدان و آهنگسازی که ربط و علاقه اصلی‌اش به موسیقی ارکسترال است، از جایی به بعد در فعالیت‌های موسیقایی‌اش بر بازسازی موسیقی‌های ملی - میهنی ایران تمرکز کرد. او در موسیقی عصر قاجار و پهلوی اول سرک می‌کشید و خوراک برای موسیقی ملی امروز برمی‌داشت.

محصول این تمرکز بعدها شد آلبومی با عنوان «ایران‌جوان» که چهار تصنیف را دربرمی‌گرفت؛ چهار تصنیف در حال و هوا و تنظیم‌های متفاوت و متنوع که صدای شهرام ناظری به این تنوع و تفاوت غنا می‌دهد. در این میان، ایران‌جوان با صدای سالار عقیلی بیشتر به گوش رسید تا با صدای ناظری.

سلطانی بارها این قطعات و به‌خصوص ایران‌جوان را با ارکستر ملل که خود رهبری‌اش می‌کرد اینجا و آنجا اجرا کرد.

کلاسیک‌ها

جوان‌ترهای موسیقی ایرانی

ایران چو باغی‌ست...

بین خواننده‌های نسل‌های جدیدتر موسیقی ایرانی جز سالار عقیلی که به عنوان پرکارترین میهنی‌خوان به او در بخشی جداگانه خواهیم پرداخت، باید از علیرضا قربانی و محمد معتمدی یاد کرد که چندبار خواننده چنین آثاری بوده‌اند. قربانی دراین‌باره بیشتر با تصنیف «ایران‌زمین» به خاطر می‌آید؛ همان تصنیفی که قربانی در آن می‌خواند: «که ایران چو باغی‌ست خرم بهار؛ شکفته همیشه گلِ کامکار». او تصنیف معروف «از خون جوانان وطن» را هم بازخوانی کرده است.

از محمد معتمدی هم «وطنم ایران» را شنیده‌ایم: «ایران من ای ریشه من، برگ و بر من...».

در کارنامه پرواز همای هم یک اثر ملی-میهنی دیده می‌شود: «سرزمین بیکران».

حجت اشرف‌زاده هم پیش از این ملی و میهنی خوانده است و حالا هم رئیس‌دفتر موسیقی و سرود سازمان صداوسیما در گفت‌وگو با خبرنگار جام جم گفته او خواننده اثر جدیدی دراین‌باره بوده که به‌زودی پخش خواهد شد. او به همراه گرشا رضایی این اثر را خوانده که یحتمل البته پاپ است.

اما شنیده‌شده‌ترین تصنیف ملی-میهنی سال‌های اخیر را همایون شجریان خوانده است؛ «ایران‌من». این تصنیف که پورناظری‌ها آن را ساخته و نواخته‌اند با اشاراتی به تصنیف «مرغ سحر» نیز همراه است.

پاپ

خانه خوبان شود...

خواننده‌های موسیقی پاپ نیز کم ملی و میهنی نخوانده‌اند. سرآمدشان و قدیمی‌ترین‌شان، محمد نوری شاید باشد. از او چند اثر به یاد می‌آوریم که البته به‌یادماندنی هم هستند. آن قطعه را به یاد بیاورید که می‌گوید «ما برای آن که ایران خانه خوبان شود/ خون دل‌ها خورده‌ایم» یا آن دیگری را «سفر برای ایران». بعد از نوری باید به علیرضا عصار اشاره کرد که در دهه ۷۰ و ۸۰، نبض این‌گونه سرودها را به دست داشت. «وطن» از او به یاد مانده است: «ای وطن! ای مادر تاریخ‌ساز...».

از خواننده‌های جدیدتر هم می‌توان فرزاد فرزین و مهدی یراحی را به فهرست افزود و البته محسن چاوشی را. «خلیج ایرانی» چاوشی هم زیاد شنیده شده است: «تیغیم و می‌بریم رعدیم و می‌غریم».

پرکارترین

سالار عقیلی؛ از لومیر

بیراه نیست که بگوییم با وجود این همه ملی-میهنی‌خوان، حالا سالارعقیلی است که برند این نوع از موسیقی ما شده است. او با توجه به شنیده‌شدن آثار ملی-میهنی‌اش، حالا به هر اثری دراین‌باره لبیک می‌گوید و از این روست که کارنامه‌اش پر است از این‌گونه قطعات. سرآمدشان همان «ایران‌جوان» پیمان سلطانی است: «نام جاوید وطن/ صبح امید وطن». تصنیفی برآمده از یک موسیقی قدیمی؛ از آهنگسازی فرانسوی در دوره قاجار. دست‌کم چهار اثر ملی-میهنی دیگر در کارنامه سالارعقیلی می‌توان یافت که بارها پخش و شنیده شده‌اند: «ایران» (ایران فدای اشک و خنده تو)، «وطنم» (وطنم ای شکوه پابرجا)، «یازده ستاره» (ای جان و ای جانان من!) و «از خون جوانان وطن».

مدیر جوان دفتر موسیقی و سرود سازمان صداوسیما از تلاش برای تولید بسته‌های موسیقایی ویژه برای انتخابات می‌گوید

از بازی تاج و تخت تا حجت اشرف‌زاده

پای ملودی معروف بازی تاج و تخت هم دیگر باز شده بود به شبکه‌های تلویزیون. گاهی می‌دیدی برنامه‌های مختلف از موسیقی‌های خارجی یا داخلی نامرتبط با محتوایی که مدنظر داشتند، بهره می‌بردند و خب، این کمی نامتعارف و نامانوس به نظر می‌رسید. دفتر موسیقی و سرود سازمان صداوسیما، مدتی است این آسیب را رصد و شناسایی کرده و درصدد رفع آن برآمده است.

حالا دقیقا دو سال است محمدمهدی نراقیان، به این دفتر پا گذاشته و از آن رو که جوان است، ایده‌های نو در سر دارد و برای اجرای‌شان هم از پا نمی‌نشیند. او و همکارانش در دفتر موسیقی و سرود، بسته‌ای ویژه برای پخش در برنامه‌های مختلف شبکه‌های تلویزیون تدارک دیده‌اند که متناسب با روح و فضای این روزها باشد که منتهی به برگزاری انتخابات ریاست جمهوری است. اولین قطعه‌ای که از این بسته به گوش رسید، ارکسترال بود که هنگام پخش صحنه ورود نامزدها به محل برگزاری مناظره شنیدیم. با نراقیان درباره تولیدات جدید دفتر موسیقی و سرود به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

ظاهرا شما در دفتر موسیقی و سرود سازمان صداوسیما، بسته‌ای موسیقایی ویژه روزهای انتخابات تدارک دیده‌اید. ماجرا چیست؟

مدتی است در حال آسیب‌شناسی موسیقی‌هایی هستیم که شبکه‌های مختلف تلویزیون در روزهای تبلیغات انتخاباتی و برگزاری انتخابات، با برپایی راهپیمایی‌ها پخش می‌کنند. پیش از این، در این بزنگاه‌ها، شبکه‌ها یا از موسیقی‌های ایرانی قدیمی -که البته متناسب با این حال و هوا بودند- استفاده می‌کردند یا از برخی موسیقی‌های خارجی.

از مورد اول می‌توان به موسیقی فیلم «ترن» اشاره کرد و از مورد دوم به موسیقی سریال خارجی «بازی تاج و تخت». آسیب پخش موسیقی‌هایی از دسته اول این بود که پخش چندین و چند باره اینها در همه این سال‌ها خسته‌کننده و تکراری شده بود و آسیب دسته دوم نیز این بود که به لحاظ محتوا با حال و هوای انتخاباتی یا فضای حماسی راهپیمایی‌های ما همخوانی نداشت. پخش این موسیقی‌ها همواره حاشیه‌هایی هم به دنبال داشت. امسال با نزدیک‌شدن به روزهای تبلیغات نامزدها و نیز روز برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری و شوراهای اسلامی شهر و روستا، ما اجرای طرحی را آغاز کردیم که طی آن، موسیقی متناسب جدید تولید کنیم.

قطعاتی که در برنامه‌های مختلف سازمان برای انتخابات از جمله مناظره‌ها پخش شود و همچنین روز رای‌گیری را هم پوشش دهد. ابتدا پروسه مطالعه را آغاز و موارد مشابه و استانداردهای مختلف را بررسی کردیم. در نهایت مجموعه‌ای از هشت قطعه موسیقی ارکسترال با زمان نزدیک به ۴۰ دقیقه ضبط شده است. ارکستر البته با سازهای ایرانی هم همراه است و تکنوازی در قطعات اصلی به عهده ساز سنتور و عود است.

در پخش مناظره اول، یکی از این قطعات در لحظه ورود نامزدها به استودیو رونمایی شد. همه این قطعات را از هفته گذشته در اختیار شبکه‌ها قرار داده‌ایم که به مرور در حال پخش هستند.

ما با توجه به ساختارهای موسیقی خودمان و عادت‌ها و ذائقه‌های موسیقایی‌مان محتوای موسیقی را بیشتر از شعر قطعات درک و دریافت می‌کنیم. این‌که شما خواسته‌اید با موسیقی بی‌کلام، محتوایی را نمایندگی کنید، به نظر می‌رسد انتخاب مسیری سخت‌تر است؟

بله، به نظر می‌رسد کار سخت‌تری باشد. اما خب همان‌طور که گفتم، ما می‌خواستیم آن بخش از نیاز به تولید موسیقی بی‌کلام را در سازمان پاسخ بدهیم. ما در کنار هویت بصری، به هویت موسیقایی جدیدی برای ایام انتخابات نیاز داشتیم که پیش از این به آن توجه نشده بود.

یعنی هیچ‌یک از این قطعات با کلام همراه نیست؟

نه، این هشت قطعه، بدون کلام هستند. یک خط ملودی اصلی را می‌شود در همه آنها دنبال کرد که هر بار تم تغییر می‌کند. به عبارت دیگر، بستر ملودیک این هشت قطعه، یکی است. لحن ایرانی دارد و مبتنی است بر تحرک و امید. البته جز این هشت قطعه بی‌کلام، چند اثر با خواننده هم تولید کرده‌ایم.

قطعات با کلام از آن‌گونه‌اند که ما به عنوان سرودهای ملی می‌شناسیم یا مضامینی آشکارا مرتبط با انتخابات را هم شامل می‌شود؟

نه، کار جدیدی با ادبیات انتخاباتی در این آثار نکردیم. ملی و میهنی محسوب می‌شوند. جدای از قطعاتی که تولید کرده‌ایم، مثلا اثری است با خوانندگی حجت‌اشرف‌زاده و گرشا رضایی که همین روزها آماده پخش می‌شود. چند کار دیگر هم کرده‌ایم. گلچینی از آثار ملی- میهنی قبلی را به صورت هفتگی فرستادیم برای شبکه‌ها. پنج قطعه نماآهنگ جدید نیز بر اساس تصانیف قدیمی تولید کرده‌ایم. این نماآهنگ‌ها ترکیبی است، به این صورت که اگر سرود «ای ایران» را مدنظر داشته‌ایم، نماآهنگ با صدای غلامحسین بنان آغاز می‌شود و به محمد معتمدی می‌رسد. منطق بصری این نماآهنگ‌ها هم مختلف است. گاه با تصاویر همخوانی مردم همراه است و گاه با دیگر موارد. اینها هم از ابتدای هفته آینده پخش می‌شوند.

اخیرا حاشیه‌هایی بر سر اصالت سرود ملی پیش آمد. شما در مرکز موسیقی، نظارتی برای سنجش اصالت آثار دارید؟

ما با طیف بزرگی از هنرمندان موسیقی همکاری می‌کنیم و تاکنون چنین مشکلی پیش نیامده است. روال کار ما این‌گونه است که شبکه‌ها قطعات را برای نظارت می‌فرستند به دفتر ما. روی قطعات کلاسیک حساسیت چندانی به خرج نمی‌دهیم جز این‌که حتما باید از صاحبان آثار اجازه گرفته باشیم.